آزمون بزرگ کارآفرینان در دور اصلاحات اقتصادی



در شرایطی که تورم، نوسانات ارزی و محدودیت‌های مالی فشار مضاعفی بر تولیدکنندگان و کارآفرینان وارد کرده، گروهی از فعالان صنعتی معتقدند اصلاحات ساختاری اخیر، به‌ویژه در حوزه ارز، گرچه سخت و پرچالش است، اما می‌تواند مسیر واقعی‌سازی اقتصاد و حمایت از تولید ملی را هموار کند.

در همین زمینه، سیدشجاع‌الدین امامی‌رئوف، دبیر انجمن صنایع نساجی ایران از ضرورت درک دقیق این تغییرات، الزامات اجرای آن و نقش بخش خصوصی در مدیریت زنجیره تأمین و عبور از این دوران گذار سخن می‌گوید.

دبیر انجمن صنایع نساجی ایران در ابتدای گفت‌وگو با صمت با اشاره به سابقه مطالبه تک‌نرخی شدن ارز از سوی تولیدکنندگان گفت: آنچه امروز در نرخ ارز رخ داده، برخلاف تصور عمومی، در بلندمدت به سود بخش تولید است. سال‌هاست بخش خصوصی واقعی و تولیدکنندگان داخلی خواهان واقعی‌سازی نرخ ارز بودند، چراکه پایین نگه‌داشتن مصنوعی آن عملا به ضرر تولید ملی تمام می‌شد. به‌گفته وی، مدیریت نادرست تخصیص ارز در سال‌های گذشته دو آسیب جدی به تولید وارد کرده است: نخست، تخصیص ارز ترجیحی برای واردات کالاهایی که مشابه داخلی دارند و دوم، بی‌توجهی به جایگاه هر کالا در زنجیره ارزش.

مهندس سیدشجاع‌الدین امامی‌رئوف، دبیر انجمن صنایع نساجی ایران ادامه داد: وقتی دولت برای محصولات نهایی و مصرفی ارز تخصیص می‌دهد، در عمل از اشتغال و ارزش‌افزوده تولیدکننده خارجی حمایت کرده است، نه از صنعت داخلی. در دوره‌های مختلف، دو مسیر عمده موجب ایجاد رانت ارزی شد؛ نخست یارانه پنهان ناشی از چندنرخی بودن ارز، و دوم تثبیت غیرواقعی نرخ ارز مبنای محاسبات گمرکی.

وی با اشاره به اینکه نظام چندنرخی ارز، از دو سو به تولید ضربه زده، گفت: در این روند ما عملا با دو آسیب روبه‌رو شدیم؛ از یک‌سو تشویق واردات و از سوی دیگر تنبیه صادرکننده. صادرکننده‌ای که کالا را با نرخ جهانی و ارز آزاد می‌فروشد، وقتی مجبور است ارز را با نرخ پایین‌تر در سامانه‌های رسمی عرضه کند، انگیزه صادراتی‌اش تضعیف می‌شود. در واقع، چندنرخی بودن ارز تعادل میان واردات و صادرات را بر هم زد.

مدیریت ناقص؛ تهدیدی برای زنجیره ارزش

امامی‌رئوف در توضیح آثار این سیاست‌ها بر صنعت و به‌ویژه صنعت نساجی گفت: صنعت نساجی از زنجیره‌ای طویل تشکیل شده است؛ از مواد خامی مثل پنبه، چیپس پلی‌استر یا گرانول پلی‌پروپیلن گرفته تا نخ، پارچه، رنگرزی، چاپ و تولید پوشاک. هر اختلالی در تأمین مواد اولیه در آغاز زنجیره، کل چرخه را دچار سکته می‌کند. وقتی تخصیص ارز برای واردات چیپس پلی‌استر به‌موقع انجام نمی‌شود و عرضه داخلی مثلا از سوی مجتمع‌های پتروشیمی محدود است، رقابت شدید در بورس کالا شکل می‌گیرد و قیمت‌ها از نرخ جهانی بالاتر می‌رود. در نتیجه، تمام محصولات بعدی با هزینه تمام‌شده بالاتر نسبت به مشابه خارجی تولید می‌شوند.

به‌گفته وی، این اتفاق در حالی رخ می‌دهد که ایران با دارا بودن منابع نفت، گاز و پتروشیمی‌های بزرگ، می‌توانست از این مزیت در خدمت صنایع پایین‌دستی استفاده کند، اما مدیریت ناکارآمد عملا این نقطه‌قوت را به نقطه ضعف تبدیل کرده است

سامانه‌ها و دستورالعمل‌ها؛ از کنترل فساد تا بازتولید آن

امامی‌رئوف در ادامه به رویه‌های اشتباه در مسیر فعالیت تولیدکنندگان اشاره کرد و گفت: سامانه‌هایی مانند سامانه بهینه‌سازی مصارف ارزی یا فرآیندهای اداری پیچیده در ثبت سفارش، عملا به جای تسهیل تولید، موجب توقف یا تأخیر در تأمین مواد اولیه شدند. موارد متعددی داشته‌ایم که ثبت‌سفارش مجوز تخصیص گرفته اما ماه‌ها بی‌نتیجه مانده، در حالی‌که برخی دیگر با پرداخت مبالغ غیررسمی توانسته‌اند سریع‌تر ارز بگیرند. این نشان می‌دهد بسیاری از مقررات موجود به‌جای آنکه ضدفساد باشند، خودشان منبع فساد شده‌اند.

وی با تأکید بر اینکه تک‌نرخی شدن ارز تصمیمی اصولی و اقتصادمحور است، افزود: واقعی‌سازی نرخ ارز به معنای پذیرش منطق عرضه و تقاضا در بازار است. باید به واقعیت تن بدهیم، حتی اگر در کوتاه‌مدت سخت باشد. در بلندمدت، تنها در این صورت می‌توانیم یک نظام اقتصادی شفاف، رقابتی و قابل پیش‌بینی داشته باشیم؛ نظامی که در آن سرمایه‌گذاری توجیه‌پذیر می‌شود و تولید از رانت و امضاهای طلایی بی‌نیاز خواهد شد.

نقش کارآفرینان و بخش خصوصی در عبور از دوران گذار

به باور امامی‌رئوف، در دوره کنونی که کشور در حال عبور از اصلاحات ساختاری است، نقش کارآفرینان صنعتی بیش از گذشته اهمیت دارد، اما باید فراتر از نگاه فردی به کارآفرینان، به بخش خصوصی سازمان‌یافته توجه کرد. وی در این‌باره گفت: ماهیت بخش خصوصی این است که همواره راه خود را برای تولید محصول رقابتی و باکیفیت پیدا می‌کند، اما بخش عمده اصلاحات ساختاری اقتصادی ناشی از تصمیمات دولتی است. سال‌ها فعالان صنعتی خواهان تک‌نرخی شدن ارز بودند، اما دولت‌ها به دلایل مختلف از آن سر باز زدند و همین موضوع هزینه‌های سنگینی بر اقتصاد و معیشت مردم تحمیل کرد.

دبیر انجمن صنایع نساجی ایران افزود: تشکل‌های بخش خصوصی، اتاق‌های بازرگانی و انجمن‌های تخصصی قادرند مسیر را برای دولت روشن کنند. مثلا در صنعت نساجی ما معتقدیم دولت باید با تحریک تقاضا در بازار مصرف آغاز کند؛ یعنی شرایطی فراهم شود تا مصرف‌کننده بتواند خرید خود را انجام دهد و این گردش تقاضا از انتهای زنجیره به ابتدای آن منتقل شود. این کار از طریق ابزارهایی مانند تأمین مالی زنجیره‌ای و طراحی سازوکارهای اعتباری برای پوشاک، فرش، موکت و کالای خواب قابل انجام است.

تأثیر آزادسازی نرخ ارز بر سبد مصرف خانوار

امامی‌رئوف با اشاره به تأثیر جهش نرخ ارز بر قدرت خرید مردم در ادامه اظهار کرد: آزادسازی نرخ ارز فقط محدود به کارخانه و تولید نیست؛ وقتی سطح درآمد خانوار رشد نکرده اما هزینه‌ها چندبرابر شده، طبیعی است که سبد مصرف خانوار تغییر کند. کاهش محسوس تقاضا در کالاهای مصرفی داخلی از جمله پوشاک، منسوجات خانگی، فرش و موکت به‌وضوح دیده می‌شود. رکود بخش پایانی زنجیره در نهایت به حلقه‌های بالادستی یعنی تولیدکنندگان نخ، بافندگی، چاپ و رنگرزی سرایت خواهد کرد.

به گفته او، بسیاری از واحدهای تولیدی با وجود دشواری‌ها تلاش کرده‌اند تا پایان سال از تعدیل نیرو خودداری کنند و چرخ تولید را بچرخانند، اما اگر کاهش فروش تداوم یابد، توازن مالی آنها به خطر می‌افتد و این‌جاست که نقش سیاست‌گذاری درست دولت پررنگ می‌شود.

امامی‌رئوف با تأکید بر اینکه هماهنگی با سیاست‌های جدید دولت صرفا وظیفه کارآفرینان نیست، بلکه پروژه‌ای ملی است، ادامه داد: ضروری است نگاه خود را از سطح کارآفرینان منفرد به سطح بخش خصوصی سازمان‌یافته ارتقا دهیم. اگر تشکل‌ها و انجمن‌ها در تصمیم‌سازی و اجرا جدی گرفته شوند، می‌توانند مسیر اصلاحات را هموار کرده و ریسک خطاهای سیاستی را کاهش دهند.

دبیر انجمن صنایع نساجی ایران ادامه داد: رویه ته‌لنجی در عمل آسیب‌های بزرگی به صنعت نساجی زده است. حجم بالایی از پارچه با هزینه‌های بسیار ناچیز و شبه‌قانونی از این مسیر وارد کشور شده و رقابت را برای تولیدکننده داخلی دشوار کرده است. بخشی از پوشاک نیز، به‌رغم آنکه به‌صورت رسمی جزو فهرست مجاز واردات ته‌لنجی نیست، به‌دلیل ضعف نظارت از همین مسیر وارد می‌شود و مرز میان تجارت قانونی و قاچاق را مخدوش می‌کند.» به گفته وی، ارز مورد نیاز این واردات از کف بازار آزاد تأمین می‌شود و خود به فشار بر نرخ ارز و تشدید نوسانات دامن می‌زند.

لزوم تغییر رویکردهای کلان

امامی‌رئوف در پاسخ به پرسشی درباره نقش صندوق‌ها و نهادهای حمایتی در دوران جراحی اقتصادی، صریح است: به باور من، واژه مشوق در این فضا موضوعیت ندارد. بخش خصوصی مشوق نمی‌خواهد؛ می‌خواهد دولت تصمیم درست، شفاف و به‌موقع بگیرد. اگر دولت به وظایف خود در سیاست‌گذاری‌های کلان اقتصادی درست عمل کند، از نرخ‌گذاری ارز گرفته تا سیاست‌های مالیاتی، وارداتی و صادراتی، بازار خود مسیرش را پیدا می‌کند.

وی افزود: در شرایط سخت فعلی، انتظار بخش خصوصی این است که نهادهای اقتصادی و اجتماعی دولت، از جمله سازمان تأمین اجتماعی، سازمان امور مالیاتی و شبکه بانکی، ملاحظات بیشتری نسبت به تولید داشته باشند.

به گفته وی، وقتی فشار این نهادها در قالب مالیات، بیمه و بدهی‌های بانکی افزایش یابد، واحدهای تولیدی ناچار به کاهش نیروی انسانی می‌شوند و در نتیجه هزینه‌های بیمه بیکاری برای خود دولت بالا می‌رود.

دبیر انجمن صنایع نساجی ایران در پایان خاطرنشان کرد: نام این رفتارها را نمی‌توان مشوق گذاشت، بلکه نوعی تعامل اقتصادی هوشمندانه است. دولت باید مانند یک شریک اقتصادی در کنار تولیدکنندگان بایستد، نه در برابر آنها.

در این دوران گذار، تولیدکننده نیاز به تنفس دارد، نه تزریق یارانه کوتاه‌مدت؛ نیاز به اعتماد دارد، نه دستورالعمل‌های متناقض.